

گزارش سخنرانیهای علمی در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی طی نیمه اول سال ۱۳۷۸

در ادامه برنامه سخنرانیهای علمی مرکز مطالعات عالی، این مرکز از فروردین تا تیر ۱۳۷۸ کلاً ۹ سخنرانی برگزار کرده که یکی از آنها در چارچوب گردهمایی گرامیداشت روز جهانی محیط‌زیست و دو سخنرانی به زبان انگلیسی تحت عنوان «سرمایه‌گذاری خارجی در جهان سوم» و «جهان سوم بعد از جنگ سرد» به ترتیب توسط پروفیسور ریچارد کوهن و دونالد اسمیت استاذان دانشگاه نیویورک و پنسیلوانیا در مرکز ایراد شده است. در این گزارش خلاصه سخنرانیهای فارسی به ترتیب تاریخ ارائه می‌شود. ضمناً با آغاز سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸، برنامه سخنرانیها از ۵ مهر ماه در مرکز از سر گرفته خواهد شد.

دکتر داریوش اخوان زنجانی*

«جهانی شدن»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۱/۲۳

در بررسی مفهوم «جهانی شدن» ما با دو مشکل مواجه هستیم. یکی اینکه نظریه‌ها و پارادایم‌های موجود در رشته روابط بین‌الملل مطلقاً پاسخگو نیستند. این نظریه‌ها معمولاً روی محور حاکمیت می‌چرخند و اگر نگرش سیستمی دارند، معمولاً روی

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

محور تعادل، ثبات و پایداری سیستم و بطور خطی حرکت می‌کنند و به ما فرصت نمی‌دهند که پیچیدگیهای موجود در روابط بین‌الملل را با توجه به مسأله جهانی شدن بررسی کنیم. دیگر اینکه موضوع جهانی شدن فوق‌العاده گسترده است و ما با نیروهای متعددی مواجه هستیم. سیستم‌ها در وضعیت‌های کاملاً متفاوتی قرار دارند. در نتیجه احتمال اینکه این سیستم‌ها و از جمله سیستم جهانی دچار بی‌ثباتی شوند بیشتر از حالت تعادل و ثبات است. این مسأله کار پیش‌بینی را مشکل می‌کند و بدون پیش‌بینی بررسی جهانی شدن اصلاً امکان‌پذیر نیست.

مهمترین ویژگی جهانی شدن حرکت دائم آن است. به دلیل پیچیدگی ما مجبوریم این حرکت را الگوسازی کنیم. الگوهای موجود پاسخگو نیستند. در الگوی خطی رابطه بین متغیرها در طول زمان ثابت فرض می‌شود. الگوی نیوتنی نیز فرصت بررسی پیچیدگیهای روابط بین‌الملل را با توجه به جهانی شدن به ما نمی‌دهد. الگوی مبتنی بر نظریه آشفتگی به ما فرصت بررسی پیچیدگیها را می‌دهد و مبتنی بر این اصل است که آینده سیستم‌ها غیرقابل پیش‌بینی است و سیستم‌ها نهایتاً دچار بی‌نظمی می‌شوند.

برای بررسی این حرکت با استفاده از الگوی آشفتگی سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. چه چیزی دارد جهانی می‌شود؟ نظام سرمایه‌داری به شکل لیبرال آن.
۲. دینامیک این حرکت چیست؟ بازار و رقابتی بودن آن.
۳. نقطه آغاز این حرکت چیست؟ برخی نقطه آغاز حرکت را ۹۰۰ سال پیش یعنی زمانی که طبقه سرمایه‌داری شکل می‌گیرد قرار می‌دهند. و آخرین مرحله جهانی شدن را سال ۱۹۷۳.

۴. شتاب و پایداری این حرکت به چه شکلی است؟ در این خصوص دو الگو قابل استفاده‌اند. الگوی ارسطویی، بر طبق این الگو ما در یک وضعیت ایستا قرار داریم و الگوی نیوتنی که بر طبق آن جهان در یک وضعیت پویا قرار دارد و حرکت در بطن طبیعت است.

۵. در روند جهانی شدن چه نیروهایی عامل حرکت هستند؟ در قرن ۱۹ عامل حرکت انگلستان بود که مفهوم تجارت آزاد را ایجاد کرد. از ۱۹۴۵ هژمونی آمریکا عامل اصلی

این حرکت است.

۶. عواملی که مانع پیشرفت یا توسعه جهانی شدن می‌شوند کدامند؟ مخالفت گروه‌ها یا کشورهای حاشیه‌ای در سطح جهان.

جهانی شدن از چهار جزء تشکیل می‌شود. اجزاء اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ارتباطات. یکی از ویژگیهای حرکت در درون این سیستم این است که هر یک از اجزاء فوق با گذشت زمان دچار تحول و دگرگونی می‌شوند. ویژگی دوم این است که هر یک از اجزاء این سیستم بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند. و ویژگی بعدی این است که هر یک از این اجزاء بطور جداگانه و بطور دسته‌جمعی با زیر مجموعه‌های کوچکتر و بزرگتر در رابطه هستند، بر روی آنها اثر می‌گذارند و از آنها اثر می‌پذیرند. یک نوع وابستگی متقابل بین اجزاء وجود دارد. حرکت هر یک از اجزاء به حرکت دیگری بستگی دارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که اجزاء در رابطه با یکدیگر در یک حالت ثابت و تعادل قرار بگیرند. در روابط بین‌الملل هم یک تحول کوچک در رفتار یکی از اجزاء می‌تواند موجب تحولات عظیم شود.

در اینجا رابطه بین سیستم جهانی و زیرمجموعه‌های منطقه‌ای، ملی و غیره را بررسی می‌کنیم. سیستم اجتماعی که ما آن را به نام سرمایه‌داری می‌شناسیم، سیستمی است که خود را بطور دائم در مقیاس‌های متفاوت باز تولید می‌کند. باز تولید این مفهوم را در بردارد که سیستم با پیرامون خودش رابطه دارد، اثر می‌گذارد و اثر می‌پذیرد. این رابطه را می‌توانیم در سه حالت خلاصه کنیم.

حالت اول: اصطکاک، به این معنی که زیر مجموعه‌ها در برابر روند جهانی شدن از خود مقاومت نشان می‌دهند.

حالت دوم: هماهنگی، به این معنی که زیرمجموعه‌ها رفتار خود را با روند جهانی شده هماهنگ می‌کنند.

حالت سوم: رابطه دیالکتیکی بین زیر مجموعه‌ها و روند جهانی شدن. این روند روی زیر مجموعه‌ها اثر می‌گذارد و از آنها اثر می‌پذیرد.

اندازه‌گیری اثرگذاری مهم است. چون همه چیز تابع اندازه‌گیری است، منتهی این

اندازه‌گیری محال است. رابطه بین میزان تحول و اثرگذاری آن یعنی رابطه بین علت و معلول قابل محاسبه نیست. کشورهای مختلف در مراحل مختلف توسعه قرار گرفته‌اند و بر حسب میزان توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی نسبت به پدیده جهانی شدن دور یا نزدیک می‌شوند، یعنی جهانی شدن نسبی است. ما مجبوریم در رابطه با هر یک از بازیگران الگویی را ارائه دهیم و عوامل ایجادکننده تحول و دگرگونی را بررسی کنیم و برای هر یک از آنها شاخص‌هایی را ارائه دهیم.

برای الگوسازی پدیده باز تولید در سرمایه‌داری باید دو الگوی درون‌زا و برون‌زا را با یکدیگر مقایسه کنیم. منظور از الگوی درون‌زا این است که یک سیستم به لحاظ ویژگیهای خاص خودش رشد و توسعه پیدا می‌کند و الگوی برون‌زا این مفهوم را دارد که یک سیستم از طریق کنش و واکنش بین خودش و محیط رشد و توسعه می‌یابد. واقعیت این است که جهانی شدن در بعضی از مناطق رشد سریع‌تری دارد و در بعضی از مناطق رشد کمتری دارد. باید دید کدام یک از این دو الگو جهانی شدن را بهتر تبیین می‌کنند. الگوی درون‌زا روی منطق نظام سرمایه‌داری کار می‌کند. ساختار این نظام نقش تعیین‌کننده دارد و به ویژگیهای محیطی هیچ توجهی نمی‌شود. بر عکس الگوی برون‌زا روی انسان و اراده انسان تأکید دارد. در این الگو به ویژگیهای محلی و منطقه‌ای توجه خاصی می‌شود. الگوی درون‌زا محافظه‌کار است و الگوی برون‌زا نهایتاً به نظریه انتقادی منجر می‌شود. یعنی آنچه که باید باشد، جایگزین آنچه هست، می‌شود.

بر طبق الگوی جذابیت نیوتن می‌توانیم فرضیه‌های زیر را مطرح کنیم:

۱. در نقطه آغاز هر چه فاصله بین یک سیستم اقتصادی و سیستم اقتصادی جهانی کمتر باشد و هرچه سیستم‌ها بیشتر مایل باشند از این سیستم بهره‌برداری کنند، روند جهانی شدن تسریع می‌شود و این مناطق بهره‌برداری بیشتری می‌کنند.
۲. هر چه مقاومت در برابر روند جهانی شدن کمتر باشد احتمال بهره‌برداری از آن بیشتر است.

۳. هر چه کشورها توسعه یافته‌تر باشند و هر چه بیشتر در روند جهانی شدن پیش روند، روند جهانی شدن با شتاب بیشتری رشد خواهد کرد.

به عبارت دیگر، اگر بخواهیم جهانی شدن و رفتار زیرمجموعه‌های ملی و منطقه‌ای را روی منحنی بیاوریم، متوجه می‌شویم که جهانی شدن رشد خاصی دارد. زیرمجموعه‌هایی که با این روند حرکت می‌کنند، با همان شتاب جهانی شدن رشد خواهند کرد. در این صورت هم زیرمجموعه‌ها و هم جهانی شدن رشد می‌کنند. بر عکس، منحنی رشد بازیگرانی که در مقابل جهانی شدن مقاومت می‌کنند یا حالت ثابت دارد و یا در بعضی موارد سیر نزولی را طی خواهد کرد.

دکتر احمد یزدان پناه*

«یورو و اقتصاد جهانی»

در تاریخ: ۱۳/۲/۷۸

پول از مقولاتی است که نظام خاص خود را دارد. برای نشان دادن اهمیت ظهور یورو در اقتصاد سیاسی بین‌الملل باید گفت یورو همان تأثیری را در اقتصاد بین‌الملل دارد که برتون وودز داشت. در برتون وودز گفته شد که باید ارزهای مهم دنیا با طلا برابری کنند. بعد از جنگ جهانی دوم به دلایل متعدد از جمله کاهش سهم آمریکا در تجارت بین‌الملل و افول رشد اقتصادی آمریکا، جنگ ویتنام، مسائل سیاسی و مالی داخل آمریکا و کسری تراز پرداخت‌ها در این کشور، طلا رابطه خود را با دلار از دست داد. سرانجام، در سال ۱۹۷۱ رابطه دلار و طلا قطع شد و در سال ۱۹۷۶ طلا از سیستم پولی کنار رفت. با این مقدمه دلیل بین‌المللی شدن دلار و رابطه آن با طلا روشن شد.

ارقام پولی دو مؤلفه دارند. ارقام پولی در موضع پول و ارقام پولی به شکل سرمایه. اتحادیه پولی یعنی نظامی که در آن کشورهای عضو توافق می‌کنند پولهای ملی خود را حفظ و نرخ برابری آن را تثبیت نمایند. در اتحادیه پولی کامل، سیاست پولی ملی مفهوم خود را از دست می‌دهد. در یک اتحادیه پولی، پولها قابلیت تعویض کامل پیدا می‌کنند. نوسانات در نرخ ارز حذف می‌شود، نرخ برابری بین پولها تثبیت می‌شود و تحرکات

سرمایه بین کشورها آزاد می شود. پول مشترک در این اتحادیه پولی، منافی به قرار زیر دارد:

۱. منابع اطلاعاتی مرتب برای استفاده از یک استاندارد مشترک به وجود می آید؛
 ۲. کارایی پول بالا می رود؛
 ۳. پول مشترک (یورو) هزینه های مبادلاتی را کم می کند. هزینه ها برای اقدام به رقابت به دو دسته مبادلاتی و غیر مبادلاتی تقسیم می شوند. یورو هزینه مبادلاتی را کاهش و قدرت رقابت را افزایش می دهد؛
 ۴. منافع مقرر در نگهداری ذخیره بین المللی کمتر می شود؛
 ۵. ریسک ارزی پائین می آید (این یکی از مهمترین منافع یورو است. زیرا واسطه پولی کم می شود.) پس یورو به عنوان یک پول کم خطر، پر بازده و کم خرج می تواند در سطح جهانی تخصیص بهینه بکند، البته اگر شرایط زیر در اروپا اتفاق بیفتد:
 ۱. مردم اعتبار بانک مرکزی را که ناشر پول است بپذیرند؛
 ۲. یورو قانون گرا باشد. یعنی به پیمان ماستریخت و پیمانهای دیگر وفادار بماند؛
 ۳. اصلاحات سیاسی با قاطعیت صورت بگیرد؛
 ۴. باید نگرش اروپایی نسبت به سیاست عوض شود. باید نگرش رهبران سیاسی و اقتصادی نسبت به «رقابت» تغییر کند. همچنین اروپا باید نگرش خود را نسبت به مالیاتها عوض کند و در هزینه تولیدات خود تجدیدنظر نماید.
- یورو در صورتی یک لنگر خوب برای سایر پولهاست که سه خصوصیت داشته باشد:

۱. اهمیت روابط تجاری با کشوری که یورو را به عنوان لنگر انتخاب می کند؛
 ۲. اهمیت جریانات تجاری بین دو کشور؛
 ۳. ثبات پول لنگر.
- یکی از اثرات مهم یورو بر اقتصاد اروپا این است که یورو دوران ضغف اقتصاد و رونق اقتصاد را همزمان می کند. پیوند کالایی و خدماتی بین کشورهای در حال توسعه و اروپا باعث می شود که هر اتفاقی که در اروپا می افتد، در کشورهای جهان سوم هم تأثیر

داشته باشد. بطور کلی افزایش ارزش یورو به نفع کشورهای است که پول خود را به یورو وابسته کرده‌اند و از این طریق می‌توانند فشارهای دلاری خود را کاهش دهند.

بر اساس مطالعات علمی انجام شده، هر یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی منطقه یورو موجب ۱/۵ درصد افزایش صادرات در کشورهای شرق و مرکز اروپا، یک درصد در کشورهای حوزه مدیترانه و ۰/۶ درصد در کشورهای منطقه فرانک می‌شود. و همچنین تولید ناخالص داخلی در این سه منطقه به ترتیب ۰/۶، ۰/۳ و ۰/۲ افزایش می‌یابد.

استفاده بهتر از یورو بستگی به حجم تجارت و ترکیب تجارت دارد. سهم ایران در این تجارت حدود ۰/۳ درصد است.

دکتر عبدالعلی قوام*

«آسیب‌شناسی جهانی شدن»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۲/۲۷

جهانی شدن از زوایای مختلف و همیشه از جنبه‌های مثبت آن مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا جنبه دیگر جهانی شدن، یعنی آسیب‌شناسی آن مطرح می‌شود. جهانی شدن پدیده جدیدی نیست. از آغاز رشد سرمایه‌داری بحث جهانی شدن مطرح شده است. انقلاب صنعتی و دگرگونی‌های تکنولوژیکی در واقع موتور جهانی شدن می‌باشند. بعد از سال ۱۹۴۵، در نتیجه سیستمی که بر روابط بین‌الملل حاکم می‌شود و وجود دو اردوگاه سوسیالیسم و کاپیتالیسم، روند جهانی شدن کند می‌شود و بعد از فروپاشی کمونیسم این روند مجدداً سرعت می‌گیرد.

جهانی شدن یک مرکز کنترل شده ندارد و موقعیت همه کشورها به لحاظ بدست آوردن امتیازات و فرصت‌ها یا از دست دادن آنها و آسیب‌پذیری همه یکسان است.

تعاریف مختلفی از جهانی شدن وجود دارد. از جمله:

برخی آنرا تشدید روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ورای مرزها تعریف کرده‌اند و برخی آنرا جهانی شدن سرمایه می‌دانند. عده‌ای آنرا یک فرآیند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در آن محدودیت‌های جغرافیایی و ترکیبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از بین رفته‌اند، می‌شناسند. برخی دیگر آنرا فرآیندی می‌دانند که ضمن افزایش تحرک اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزشی و کاهش فاصله زمان و مکان، تفاسیر جدیدی از سیاست، اقتصاد و فرهنگ بدست داده است.

امروزه ناظر یک سری تحولات در جهانی شدن هستیم، از جمله سقوط دولتهای اقتدارگرا، ایدئولوژی زدائی دولتها، کوتاه شدن فاصله زمان و مکان، افزایش تحرک و تشدید شناور شدن هویت‌ها، دگرگونی در شیوه تقسیم کار بین‌المللی، ایجاد حساسیت نسبت به فرآیندهای زیست محیطی، کاهش اقتدار دولتها، افزایش بیکاری، قحطی، گرسنگی، مرگ‌ومیر، سقوط ارزشها، تجدید نرمها و... پس جهانی شدن هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی دارد. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

جهانی شدن یک فرآیند همگن نیست و در جهت حرکت خود همه را یکسان در نظر نمی‌گیرد. در خیلی از موارد با فرآیند جهانی شدن، بیشتر شاهد اختلافات و تبعیضات هستیم. لذا در کنار جهان‌گرایی، محلی‌گرایی را هم داریم. در شرایطی که بسیاری از کشورها سعی می‌کنند مرزها را از بین ببرند در کشورهایی هم شاهد رشد خرده سوسیالیسم (شوروی) هستیم. بنابراین جهانی شدن لزوماً به معنی یکسان‌سازی نیست بلکه بیشتر در جهت تکثر و تنوع است. در بسیاری از موارد جهانی شدن نابرابریها را تشدید کرده ضمن افزایش ارتباطات، تعارضات را هم جهانی کرده است.

جهانی شدن قانونمندیهای گذشته را برهم زده و ضمن تفسیر همگانی و جهانی از قوانین در بسیاری از موارد باعث بی‌قانونی شده است.

امروزه آثار سوء جهانی شدن در گسترش فقر در جهان سوم را مشاهده می‌کنیم. جهانی شدن سرمایه، شکاف فقیر و غنی را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. بنابراین، افزایش روند وابستگی متقابل در سایه جهانی شدن ضمن آنکه در برخی از

موارد به سود بشر بوده، مشکلات فراوانی را برای جوامع آسیب‌پذیر به همراه داشته‌است. بطور مثال، خطر محیط زیست یکی از آثار وابستگی متقابل می‌باشد.

دکتر سعید محمودی*

«تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۳/۳

در رابطه با موضوع محیط زیست، یک هماهنگی میان حقوق داخلی محیط زیست و حقوق منطقه‌ای محیط زیست وجود دارد. از خصوصیات کلی این رشته از حقوق یکی مسأله نیاز به تأسیسات و سازمانهای متخصص و دیگری مسأله تحول سریع این رشته می‌باشد.

در رابطه با تحول حقوق محیط زیست، در مورد روشهایی که برای مذاکره در کنوانسیونهای حقوق بین‌الملل بکار برده شده و همچنین نگرش کشورهای مختلف درباره محیط زیست و نگرشی که امروزه درباره حقوق بین‌الملل جاری است، صحبت می‌کنیم.

تحولات کنوانسیونهای حقوق بین‌الملل را معمولاً به سه دوره تقسیم می‌کنند:

۱. دوره اول: از آغاز قرن تا ۱۹۷۲ (سالی که اولین کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست تشکیل شد)

۲. دوره دوم: از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲، در این سال دومین کنفرانس سازمان ملل متحد برای توسعه و محیط زیست تشکیل شد. این دوره به دو قسمت مجزا تقسیم می‌شود. قسمت اول دوره‌ای است که تنها مسأله محیط زیست، مسأله آلودگی بود. قسمت دوم، دوره‌ای است که حفظ و استفاده از محیط زیست مطرح شد.

خصوصیت کلی همه کنوانسیونها و قوانین بین‌الملل در تمام دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این است که جنبه عکس‌العملی دارند و در همین رابطه قانونگذاری معمولاً تک مسأله‌ای

بود.

در مورد تفاوت کشورهای جهان سوم و پیشرفته، فقط می‌توان گفت که کشورهای جهان سوم دیر شروع کردند. زیرا، مسأله محیط زیست را مسأله خودشان نمی‌دانستند. اما با پیدا شدن مشکلات جدید از جمله سوراخ شدن لایه ازن و گرم شدن آب و هوای کشورهای جهان سوم پذیرفتند که باید درباره مسأله محیط زیست همکاری کنند.

۳. دوره سوم - از سال ۱۹۹۲ آغاز گردید. نگرش این دوره مبتنی بر نظام طبیعت است، مبنی بر اینکه طبیعت پایانی دارد و بی‌نهایت نیست.

در این دوره تئوری‌ای مطرح گردید که یکی از اصول آن اصل ادغام نامیده می‌شود. این اصل سه جنبه دارد یکی اینکه تمام مشکلات محیط زیست را باید در چارچوب وسیعتری بررسی کرد و ارتباط میان منابع محیط زیست را با نحوه حفظ و استفاده از آن پذیرفت. جنبه دوم این اصل آن است که اثر هر تصمیمی که در یک مملکت گرفته می‌شود باید بر محیط زیست در نظر گرفت. جنبه سوم این اصل این است که تصمیمات مهم باید از یک مرجع گرفته شود.

در ضمن، این نگرش باعث شده چند اصل مهم و تازه در حقوق بین‌الملل پیدا شود. یکی از این اصول، اصل احتیاط است، به این معنی که در رابطه با مشکلات محیط زیست نباید منتظر اجماع دانشمندان بود. و اصل دیگر، اصل دسترسی عمومی به اطلاعات مربوط به محیط زیست است و اصل دیگر اصل برآورد اثرات یک پروژه بر محیط زیست می‌باشد.

«گردهمایی گرامیداشت روز جهانی محیط زیست»

در تاریخ: ۱۶/۳/۱۳۷۸

روز پنجم ژوئن، از سوی سازمان ملل متحد، روز جهانی محیط زیست نامگذاری شده است. در این روز، اولین کنفرانس جهانی محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد.

به مناسبت گرامیداشت این روز، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی با توجه به اهداف و فعالیت‌های خود که ارتباط نزدیکی با اقدامات سازمان ملل متحد دارد، در روز یکشنبه شانزدهم خردادماه یک گردهمایی برگزار کرد. در این مراسم ابتدا جناب آقای افتخارعلی، رئیس مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران پیام دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای کوفی عنان به مناسبت روز جهانی محیط زیست را قرائت کردند. متن کامل پیام دبیرکل:

«موضوع روز جهانی محیط زیست امسال «کره زمین ما، آینده ما- آن را حفظ کنید»، درخواستی عاجل از تک به تک و همگی ما است تا عهدمان درباره گرامیداشت و محترم نگاشتن سیاره‌ای که بقای ما را امکان‌پذیر ساخته، تجدید نمائیم.»

با اینکه حفظ کره ارض یک جنبش مردمی شده است، اما نشانه‌های ملموسی از زیاده‌خواهی انسان از محیط زیست وجود دارد. امروز هنگامی است که به یاد آوریم باید فی‌نفسه به محیط زیست بها دهیم و به آن صرفاً به‌عنوان ابزاری برای رفع نیازهایمان ننگریم. امروز روزی است که باید درک کنیم از مسائل زیست محیطی نباید به آسانی گذشت، زیرا اگر تعهدی محکم نسبت به حفظ آن از خود نشان ندهیم، فردا محیطی برای زیستن نخواهیم داشت.

در بیشتر موارد از اینکه چه راه‌هایی باید انتخاب شوند، آگاهیم. به نفع همگی ما است که بخواهیم شیوه‌های زندگی خود را تغییر دهیم و در راهی که ضامن آینده‌ای پایدار برای همگی ما است گام برداریم، و برای بدست آوردن این مهم باید درک کنیم که ثروت انسان و توسعه اقتصادی از منابع کره زمین کسب می‌شود و بدانیم که فقط یک کره زمین وجود دارد.

ما همچنین باید به وابستگی خود اعتراف نموده و تشخیص دهیم که در طولانی‌مدت، تمام شدن منابع آب، کاهش تنوع زیستی، قطع چرخه‌های حیاتی، و تغییرات آب و هوایی عواقب فاجعه‌آمیزی برای همگی ما در هر کجا که زندگی می‌کنیم در پی دارد. این بدان معنی است که مسؤلیت، برابری و

همبستگی به همان اندازه که در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی از اهمیت برخوردارند، در مورد مسائل زیست محیطی نیز باید مهم شمرده شوند. از آنجا که تمام فعالیت‌های بشر روی کره زمین اثر می‌گذارد و در مقابل وضعیت و چگونگی آن نیز بر همگی ما اثرگذار است، هر روز باید روز محیط زیست قلمداد شود. تا آن روز، سازمان ملل متحد مسؤلیت خود را در قبال کره زمین و کسانی که بعد از ما ساکن آن خواهند بود جدی می‌گیرد.»

سپس جناب آقای دکتر محمود کرمی، دانشیار و مدیر گروه محیط زیست و شیلات دانشگاه تهران با عنوان «استراتژیهای جهانی و ملی حفاظت از محیط زیست» سخنرانی کردند. دکتر کرمی ضمن بیان استراتژی حفاظت از محیط زیست به نکات زیر اشاره کردند:

استراتژی جهانی حفاظت از محیط زیست به صورت یک پروژه مشترک توسط برنامه محیط زیست ملل متحد UNEP، اتحادیه جهانی حفاظت از محیط زیست ICUN، و صندوق جهانی طبیعت WWF در سال ۱۹۸۰ منتشر شد. تأکید این استراتژی بر این مسأله بود که بدون حفاظت از محیط زیست، بشر آینده‌ای نخواهد داشت. به علت وابستگی متقابل حفاظت و توسعه راهبرد یا استراتژی حفاظت از محیط زیست، اصطلاح توسعه پایدار را ترویج کرد. توسعه پایدار در گرو مراقبت از کره زمین است. راهبرد جهانی حفاظت، سه هدف زیر را دنبال می‌کند:

۱. فرآیندهای اساسی بوم‌شناختی و سیستم‌های پشتیبان حیات باید نگهداری شوند؛

۲. تنوع ژنتیکی باید حفظ شود؛

۳. هرگونه استفاده از گونه‌ها باید بطور پایدار و مستمر انجام شود.

در سال ۱۹۷۸ دولتها دورنمایی را برای سال ۲۰۰۰ و فراتر از آن ترسیم کردند که در آن چارچوب اصلی برای اقدامات ملی و همکاریهای بین‌المللی در راستای توسعه سالم تعریف شده بود. سازمان ملل متحد با قطعنامه‌ای که در

مجمع عمومی سازمان به تصویب رساند از همه دولتها خواست که راهبرد جهانی حفاظت را در همه سیاستهای خود ملحوظ بدارند. مجدداً در سال ۱۹۹۰ راهبردی با عنوان مراقبت از زمین، برای زندگی پایدار و بر اساس مشورت با متخصصین فن منتشر شد. این راهبرد در واقع روند فکری جدیدی را درباره حفاظت و توسعه ارائه می‌کند.

دانشمندان اهل فن علل اصلی مسائل محیط زیست را به شرح زیر قلمداد می‌کنند:

۱. رشد سریع جمعیت؛
۲. مصرف سریع و به هدر دادن منابع بدون توجه به پیش‌گیری از آلودگیها و کاهش پس‌مانده‌ها؛
۳. ساده کردن و تخریب اجزاء سیستم‌های پشتیبان حیات؛
۴. فقر، که موجب شده مردم برای استفاده کوتاه‌مدت از منابع طبیعی آینده منابع را نادیده بگیرند؛
۵. ناموفق بودن نظامهای سیاسی و اقتصادی برای گنجاندن هزینه‌های زیست محیطی کالاها و خدمات اقتصادی در قیمتهای بازار؛
۶. اشتیاق انسان برای چیره شدن بر طبیعت و مدیریت آن بدون اینکه درک شایسته‌ای از چگونگی کار طبیعت داشته باشد.

مسائل زیست محیطی بطور خلاصه به ۵ گروه کلی تقسیم می‌شوند:

۱. آلودگی هوا؛
 ۲. آلودگی آب؛
 ۳. مسائل مربوط به تولید غذا؛
 ۴. از دست رفتن تنوع و گوناگونی زیستی؛
 ۵. تولید پس‌مانده‌ها (جامد و غیرجامد)
- بر اساس مدلی که توسط استاد مطالعات جمعیت‌شناسی دانشگاه استنفورد و یک فیزیک‌دان ارائه شده، تخریب و افت کیفیت محیط زیست یک منطقه

ناشی از سه عامل جمعیت، ثروت و فن‌آوری تلقی شده است. در واقع میزان تخریب محیط زیست از حاصل ضرب این سه عامل بدست می‌آید. به‌طور اجتناب‌ناپذیری، پیشرفت به‌سوی یک جامعه پایدار بسیار کند است، زیرا توسعه و حفاظت همواره دو قطب کاملاً مخالف تلقی شده‌اند. گروهی از دانشمندان معتقدند که توسعه اقتصادی و فنی همه مشکلات زیست محیطی را از بین خواهد برد و در مقابل گروه دیگری معتقدند بسیاری از مسائل را نمی‌توان فقط با دستاوردهای تکنولوژی حل کرد. استراتژی جهانی حفاظت در صدد بوده است که این دو دیدگاه را به هم نزدیک کند و در واقع این پیام را ابلاغ می‌کند که می‌توان توسعه را به گونه‌ای انجام داد که در تضاد با محیط نباشد.

اصول و اقداماتی که در این راهبرد پیشنهاد شده بسیار کلی است. به دلیل اینکه جوامع بشری از نظر فرهنگ، دین، تاریخ، اعتقادات، سیاست‌گذاریها، سازمانها و سنت‌ها بسیار با هم تفاوت دارند. بنابراین هر یک از این جوامع باید توصیه‌های این راهبرد را برای جامعه خودشان تفسیر و قابل اجرا نمایند. اصولی که در این استراتژی جهانی پیشنهاد شده با یکدیگر رابطه کاملاً متقابل دارند، بطور خلاصه این اصول عبارتند از:

۱. احترام به جامعه زیست‌مندان و حفاظت از آن؛
۲. بهبود کیفیت زندگی بشر که فقط محدود به توسعه اقتصادی نیست؛
۳. حفظ زیست‌مندی و تنوع زمین. توسعه مبتنی بر حفاظت باید در راستای حفظ ساختار، کارکرد و تنوع سیستم‌های طبیعی انجام گیرد؛
۴. به حداقل رساندن استفاده از منابع تجدید ناشونده؛
۵. باقی ماندن در چارچوب گنجایش کره زمین "World Capacity"؛
۶. ایجاد تغییر و تحول در طرز فکر و عمل انسانها. زندگی پایدار، اخلاق نویی را می‌طلبد. این اصل تجدید نظر در رفتارها و ارزشها را توصیه کرده است؛
۷. هدایت و کمک به جوامع بشری برای مراقبت از محیط خودشان. جوامع

بشری را در راستای ایجاد تشکل‌ها هدایت کنیم و مردم را در ایجاد جامعه پایدار سهیم سازیم؛

۸. ایجاد یک چارچوب ملی برای تلفیق دو مقوله حفاظت و توسعه. در پایان گردهمایی، فیلم کنفرانس ریو که در سال ۱۹۹۲ پیرامون توسعه و محیط زیست برگزار شد و همچنین فیلم دیگری از طبیعت و حیوانات نمایش داده شد.

سرکار خانم شهناز نیک‌انجام*

«سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل (آنستیرال)»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۴/۷

در عصر حاضر تجارت بین‌الملل به‌عنوان عنصری غیر قابل انکار در توسعه روابط بین‌الملل و بین دولتها نقش دارد.

انجام معاملات تجاری با قواعد و ضوابط ضحیح و یکسان موجب تحکیم روابط دوستانه با ملت‌های دیگر شده و به صلح و امنیت بین‌المللی کمک می‌کند. زیرا که مشکلات حاد اقتصادی در جهان امروز تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد. نظر به مشکلات قانونی در داد و ستد بین افراد در سطح بین‌المللی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه شماره ۲۲۰۵ در سال ۱۹۶۶ میلادی و برای تدوین و یکنواخت کردن مقررات تجاری بین‌المللی کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنستیرال) را تأسیس نمود.

تعداد ۳۶ دولت عضو کمیسیون می‌باشند و سایر دولتها و سازمانهای بین‌المللی می‌توانند به‌صورت ناظر در جلسات آن شرکت کنند. دو وظیفه کمیسیون هماهنگی مقررات تجاری در سطح جهانی و مدرنیزه کردن آنهاست.

این کمیسیون ارگان حقوقی سازمان ملل متحد در مسائل تجارت بین‌الملل بوده و در سال ۱۹۹۸ میلادی طبق قطعنامه دیگری که در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان

ملل متحد صادر می‌گردد، کمیسیون به‌عنوان تنها ارگان تقنینی در تجارت بین‌الملل اعلام شده و از کلیه مجامع و سازمانهای بین‌المللی مشابه درخواست می‌گردد که با کمیسیون در نیل به هدفش مساعدت کرده و از اقدامات مشابه که موجب دوگانگی در امر تجارت بین‌الملل می‌شود اجتناب ورزند.

تدوین قوانین و مقررات تجارت بین‌الملل توسط آنسیترال در چارچوب موازین حقوق خصوصی تحقق پذیرفته و از این‌رو کار آن با حقوق عمومی و سازمان تجارت جهانی (WTO) متفاوت می‌باشد. سازمان تجارت جهانی مربوط به روابط تجاری دولتها بوده و داد و ستد افراد در حقوق خصوصی را در بر نمی‌گیرد.

نحوه فعالیت‌های آنسیترال

فعالیت‌های آنسیترال به سه طریق صورت می‌گیرد.

۱. تدوین کنوانسیونهای بین‌المللی برای یکنواخت کردن مقررات تجاری و تسهیل امر تجارت بین‌الملل. گروههای کاری آنسیترال اقدام به تنظیم و تدوین کنوانسیونهایی نظیر بیع بین‌المللی کالا، مرور زمان در بیع بین‌المللی کالا، حمل و نقل و ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی کرده‌اند.

۲. تنظیم قواعد نمونه برای دولتها در مسائلی از قبیل داوری بین‌المللی، معاملات دولتی، ورشکستگی بین‌المللی نیز در گروههای کاری آنسیترال انجام شده و دولتها می‌توانند از طریق قوه مقننه از قواعد نمونه استفاده نموده و آنها را مطابق مقررات داخلی به تصویب رسانند. مجلس شورای اسلامی در شهریور ۱۳۷۶ قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی آنسیترال را پذیرفته است.

۳. تهیه راهنماهای قانونی راجع به موضوعاتی مانند تنظیم قراردادهای ساختمانی، چگونگی انعقاد قرارداد دولتها و سازمانهای دولتی با شرکتهای خارجی خصوصی و نحوه مجوز امتیاز این‌گونه شرکتهای نیز از فعالیت‌های مفید گروههای کاری آنسیترال از بدو تأسیس بوده است.

انتشار رویه‌های قضایی دولتها بر اساس قواعد آنسیترال و برگزاری سمینارها و

آموزشهای لازم در زمینه تجارت بین‌الملل نیز از وظایف کمیسیون بوده است. جمهوری اسلامی ایران از اعضای فعال کمیسیون است و در سال ۱۳۷۴ سمیناری در وزارت امور خارجه برای آشنائی مقامات دولتی، متخصصین حقوقی، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان به این رشته برگزار نموده است.

غلامرضا علی بابایی*

«مناسبات سیاسی ایران و پاکستان»

در تاریخ: ۱۳۷۸/۴/۱۴

عامل همکاریهای دو کشور در دوران قبل از انقلاب را می‌توان در ریشه‌های ذیل جستجو کرد:

- هر دو کشور با رژیم‌های استبدادی اداره می‌شدند؛
- هر دو کشور وابسته به اردوگاه غرب و حافظ منافع آن بودند؛
- هر دو کشور عضو پیمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان پیمان مرکزی (سنتو) و پیمان جنوب شرقی آسیا (سیتو) بودند؛
- در چارچوب «همکاری عمران منطقه‌ای» (آر-سی-دی) با یکدیگر همکاری داشتند؛

- هر دو کشور با نفوذ کمونیسم در منطقه مبارزه می‌کردند؛

- ایران عمق استراتژیک پاکستان به‌شمار می‌رفت و در طول جنگ هند و پاکستان (۱۹۶۵) ایران هند را رسماً به تجاوز متهم کرد. در جنگ ۱۹۷۱ نیز هند را به دلیل دخالت در امور داخلی پاکستان مورد انتقاد قرار داد و خواستار توقف عملیات نظامی و برقراری بی‌قید و شرط آتش‌بس شد.

در دوران بعد از انقلاب پاکستان از نخستین کشورهایی بود که «جمهوری اسلامی ایران» را به رسمیت شناخت و روابط دو کشور تحت تأثیر طیفی از عوامل دیگر قرار

گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو نظام متفاوت در ایران و پاکستان حکومت می‌کردند. در یک سویک نظام نوپا و انقلابی و در سوی دیگر رژیم دیکتاتوری نظامی با سابقه سرنگونی یک دولت ملی (ذوالفقار علی بوتو) که رهبر آن در صدد اعدام نخست‌وزیر برآمده بود قرار داشت.

در طول جنگ افغانستان با شوروی، هر دو کشور سهم زیادی در مبارزه علیه اشغالگران ارتش سرخ اتحاد شوروی داشتند، ولی پاکستانی‌ها در صدد بودند آنجا را تبدیل به عمق استراتژیک خود کرده و مسائل پیچیده گوناگون خود را با استقرار یک دولت دست‌نشانده در آن کشور حل و فصل نمایند. گرمی روابط ایران با هند نیز چندان به مذاق پاکستانی‌ها خوش نمی‌آید و این تصور غلط در ذهن آنها جای گرفته است که ایران روابط خود را با بزرگترین دشمن سنتی آنان بهبود بخشیده است. واقعیت امر این است که ایران حق دارد میزان روابط خود را با کشورهای گوناگون در چارچوب منافع امنیت ملی تنظیم نماید.

در حال حاضر همکاریهای دو کشور در قالب کمیسیونهای مشترک مرزی در خصوص ایجاد بازارچه‌های مشترک، گشت‌های منظم مرزی، رنگ کردن میله‌ها و مبارزه علیه کاروانهای مواد مخدر ادامه دارد.

در خصوص روابط اقتصادی، سطح این روابط در شأن دو کشور همسایه نیست. دو کشور همچنان به مطالعات لازم در خصوص احداث پروژه مشترک خط لوله گاز ایران به پاکستان ادامه می‌دهند. تعدادی از پروژه‌های مربوط به احداث راه‌ها از جمله راه «شوراب کلات» بین کوئته و کراچی به طول ۸۰ کیلومتر و پروژه‌های نصب پل به انجام رسیده است. در مجموع مشکلات مالی پاکستان، وجود عناصر ذینفوذ فئودال و بحرانهای سیاسی مداوم، سرمایه‌گذاری در پاکستان را مشکل ساخته است.

تحركات اخیر پاکستان به منظور بین‌المللی کردن مسأله کشمیر که منجر به منازعه شدید «کارگیل» شده است با اقبال مجامع بین‌المللی مواجه نشده است.

جمهوری اسلامی ایران در این رابطه خواستار خویشتن‌داری طرفین شده و وزیر خارجه ایران در اجلاس بیست و ششم وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان

کنفرانس اسلامی در بورکینا فاسو اعلام داشت که «درگیریهای اخیر در کشمیر نگرانیهای عمیقی در سازمان کنفرانس اسلامی، منطقه و جهان ایجاد کرده است. ادامه این بحران باعث بی ثباتی و برهم خوردن امنیت منطقه می گردد. وزیر خارجه ایران همچنین اضافه کرد که: «این اختلافات بر اساس قطعنامه های صادره از سوی سازمان ملل متحد و توافقات دو جانبه این دو کشور حل و فصل شود.»

در یک جمع بندی می توان گفت: ایران به عنوان کشوری مهم و استراتژیک از اهمیت فوق العاده ای برای پاکستان برخوردار است. تاریخ ۲۵ ساله پاکستان نشان داده است که افغانستان با وجود ناآرامی های فراوان، مرزهای آشفته، کشتزارهای مواد مخدر و وجود کینه های شدید قومی نمی تواند جایگزین ایران شود.

پاکستان به لحاظ موجودیت مخاطره آمیز خود به نوعی پارانویا مبتلاست و باید به تلاش های خود تحت قیادت هر حکومتی برای همزیستی با ایران ادامه دهد. تاریخ قرن اخیر نشان داده است که ایران هیچگاه منافع و امنیت ملی پاکستان را به خطر نیفکنده است.